چگونگي تحول در نظام آموزش مجازي در وزارت آموزش و پرورش

در دوران پسا‌كرونا

خسرو سلجوقي[[1]](#footnote-1)\*

**چكيده**

مقاومت در مقابل تغيير:

بررسي تاريخچه ارائه فنّاوري‌هاي ارتباطي پيشرفته به جامعه دلالت بر آن دارد كه با ارائه هر فنّاوري ارتباطي جديدي به جامعه موجي از بيم‌ها و اميدها در پي آن پديد آمده است، برخلاف تجربه بشري، اولياي فرهنگي ايران در مواجهه با فنّاوري‌هاي ارتباطي پيشرفته، به‌صرف آن كه امكان كاربري نامناسب از اين فنّاوري‌ها وجود دارد، به‌طور عمده با ديده نفي و انكار با اين فنّاوري‌ها برخورد كرده‌اند و روند ممنوعيت كاربري از ويديو در اوايل انقلاب، به روند ممنوعيت كاربري از ماهواره و برخي از شبكه‌هاي اجتماعي تلفن همراه انجاميده است.

بررسي الگوواره قديم و جديد آموزش و پرورش در دوران كرونا و پساكرونا:

الگوواره يا الگوي سنتي، يا همان الگوواره رايج آموزش و پرورش در كشورهاي توسعه‌نيافته، بر پيش‌فرض‌هايي مبتني است كه طراحان آن در طول ساليان سال، بدون هيچ دقتي، با فرض گرفتن آن‌ها، نظامي از آموزش و پرورش را ساخته‌اند كه در حال حاضر به دلايل مختلف و متعدد ناكارآمد جلوه مي‌كند. براي اصلاح اين الگوي ناكارآمد، ابتدا بايد پيش‌فرض‌هاي نهفته يا آشكار آن را استخراج و پس از آن با بررسي انتقادي اين پيش‌فرض‌ها و جايگزين ساختن اصولي جديد، به خلق نظام آموزش و پرورشي كارآمد و متناسب با شرايط اجتماعي جديد اقدام كرد.

برخي از پيش‌فرض‌هاي الگوواره سنتي يا رايج آموزش و پروش:

* علم و معرفت تقريباً معادل اطلاعات است. نتيجه آن كه اگر كسي اطلاعاتِ حاضر و آماده را از معلم دريافت كرد و آن‌ها را به‌خاطر سپرد، صاحب علم و معرفت خواهد شد.
* كودكان نيازي به تأمل در مورد مطالب آموزشي ندارند؛ چرا كه قبلاً بزرگان تأمل و تفكراتِ لازم در مورد اين مطالب را به‌عمل آورده‌اند.
* هدف آموزش و پرورش، انتقال عادات، تجارب و آموخته‌هاي نسل قبل به نسل جديد است.

برخي از اصول الگوواره جديد:

* معرفيت، چيزي بيشتر از اطلاعات است. به بيان ديگر،‌ اهميت پردازش اطلاعات و كسب توانايي اين كار، بيش از خود اطلاعات است.
* فرآيند شناخت، بيش از يك بعد دارد؛ به‌بيان ديگر، فرآيند شناخت مستقل از اموري همچون عاطفه، هيجان، علاقه و تخيل نيست.

 لذا نقش مهارت‌آموزي با انتخاب هر يك از دو الگوواره قديم و جديد در دوران كرونا و پساكرونا، راهكارهاي متقاوتي را براي توانمند‌سازي كودكان در شرايط كنوني رقم خواهد زد، بديهي است دوران كرونا فضاي انتقالي از كرونا را تا حدودي مهيا كرد و لازم است پس از ورود به دوره پساكرونا بايد الگوواره جديد رويكرد حاكم در وزارت آموزش‌و‌پرورش و كشور شود.

باور نداشتن به آنچه داريم!

در ايران ما حداقل‌ها را داريم ولي طرز استفاده از آن را بلد نيستيم. مثلاً مطالعه‌اي داريم كه در سال 1396روي كودكان 3-5 سال در كشور انجام شده كه طبق آن، 65% كودكان 3-5 سال كشور داراي تلفن همراه يا تبلت هستند. اين عدد كم نيست؛ همچنين يك ارزيابي از كساني كه وارد توييتر مي‌شوند انجام شد كه چند نفر از اين‌ها كه وارد توييتر مي‌شوند مي‌دانند كه لانچر چيست؟ فقط 8%

سابقه آموزش و پرورش در به‌كارگيري فنّاوري ارتباطات و اطلاعات:

متأسفانه 2-3 اتفاق در آموزش و پرورش افتاده است. اول اين كه مطالعه‌اي نشان مي‌دهد كه 80% چيزي كه به كودكان، آموزش مي‌دهيم اصلاً به دردشان در زندگي روزمره نمي‌خورد.

دوم اينكه متأسفانه وقتي موضوع هوشمند‌سازي مدارس مطرح شد آموزش و پرورش ما داشتن يك وايت‌برد الكترونيكي و چند دستگاه رايانه هوشمند سازي مي‌دانست. شما اسناد مالزي را نگاه كنيد. از بودجه اختصاصي مي‌توانيد بفهميد كه آن‌ها چه كاري انجام دادند؟ آن‌ها حدود 30-40% بودجه را براي تربيت معلم‌ها، 30-40% بودجه را براي محتوا و فقط در حدود 20% بودجه را به ابزار يعني رايانه اختصاص دادند. در حالي كه ما 100% بودجه را براي ابزار گذاشتيم و تربيت معلم، محتوا و .... را فراموش كرديم.

- راهكارهاي فعال‌تر شدن بخش خصوصي:

بخش خصوصي ما زماني مي‌تواند فعال شود كه بتوانيم مجوززدايي كنيم. چون قانون اساسي ما نگفته براي هر كاري بيا مجوز بگير! گفته شما به‌ هر كاري مي‌توانيد دست بزنيد جز آنجايي كه قانون منع كرده است. ما بايد به جاي گرفتن مجوز، ريل‌گذاري يا همان ضابطه‌گذاري كنيم.

- تحريم داخلي

تحريم خارجي هرچه سفت‌تر بشود ما بهتر مي‌توانيم كمربند خود را محكم‌ كنيم. ولي تحريم داخلي اتفاقاً براي خودمان بيشتر محدوديت ايجاد مي‌كند. باعث مي‌شود خودمان را از دنياي فنّاوري دور نگه داريم. نمونه‌اش رفتاري كه وزارت آموزش و پرورش در مورد استفاده از تلفن همراه در مدرسه مي‌كند. به‌عنوان ضد توسعه و پيشرفت است.

شبكه ملي اطلاعات و پيشنهاد براي وزارت آموزش و پرورش براي دوران پساكرونا:

براي پاسخ به نيازهاي آموزش و پرورش در فراگير كردن كاربرد فنّاوري اطلاعات براي توسعه حوزه‌هاي آموزشي و پرورشي و اداري متناسب با زيرساخت‌هاي موجود و قابل دسترس شبكه ملي اطلاعات، پيشنهاد‌هاي زير مطرح است:

1- استفاده از پردازش مهي (Fog Computing)

2- ايجاد شبكه اختصاصي ابري آموزش و پرورش بر بستر شبكه ملي اطلاعات: بايد اذعان داشت كه شبكه ملي اطلاعات يك شبكه سيمي مستقل نيست، بلكه مجموعه ارتباطات زيرساخت، مخابرات،‌ اپراتورها و... شبكه ملي اطلاعات را تشكيل مي‌دهند. لذا با استفاده از فنّاوري‌هايي مانند MPLS (وبرچسب‌زني اختصاصي) ضمن حفظ امنيت داده‌هاي درحال تبادل، نياز به بار اضافه درون شبكه يا ايجاد يك شبكه موازي را منتفي مي‌شود. نتيجه آنكه ايجاد يك شبكه ديگر در درون و يا به موازات شبكه ملي اطلاعات (مشابه شبكه علمي وزارت علوم، تحقيقات و فنّاوري) براي آموزش و پرورش توصيه نمي‌شود و مقرون به صرفه اقتصادي نيست.

3- به‌كارگيري فنّاوري در تغيير الگوي ياددهي و يادگيري؛

4- شيوه‌هاي نوين ارزشيابي و ارزيابي؛

خلاصه: هم‌زمان با كرونا و دوران پساكرونا چيكار مي‌توان كرد؟

* به بخش خصوصي هم اجازه بدهند تا خدماتي مانند سامانه شاد را به مدارس عرضه كنند و فضا را رقابتي كنند.
* سامانه ماهواره‌اي را براي انتقال محتوا تدارك ببينند.
* آموزش معلمان را در اولويت قرار دهند.
* سامانه‌هاي توليد محتوا براي معلمان ايجاد كنند مانند سامانه موزابوك مجارستان.
* بخشي از محتواي دروس را در شرايط غيركرونايي در فضاي مجازي ارائه دهند.
* مجوز ورود تبلت دانش‌آموزي را صادر كنند.
* ارزيابي‌هاي برخي دروس را به‌صورت برخط برگزار كنند.
* در بسط و گسترش رويكرد يادگيري معكوس بكوشند و بستر آن را فراهم كنند.
* برخي از كتاب‌هاي درسي را به‌صورت الكترونيكي توليد و در اختيار دانش آموزان قرار دهند.
* امكان يادگيري مشاركتي را براي دانش‌آموزان در فضاي مجازي فراهم كنند.
* آموزش والدين، مربيان و معلمان را در فضاي مجازي دنبال كنند.
* منابع لازم را به‌صورت چند‌رسانه‌اي و با كمك فناوري‌هاي نوين در اختيار سه‌گروه اصلي قرار دهند (معلم و مدير، دانش‌آموز و خانواده)
* بستر اينترنت را به مناطق محروم توسعه دهند البته اگر سامانه اختصاصي ماهواره‌اي ايجاد شود بهتر است.
1. \* صاحب‌نظر توسعه فنّاوري اطلاعات و ارتباطات در حوزه آموزش [↑](#footnote-ref-1)